

تبیین نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی ترویج کشاورزی ارگانیک بر مبنای حکمت توحیدی

مهسا فاطمی^۱، منصور شاه‌ولی^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲- استاد بخش ترویج و آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

دریافت: ۹۲/۲/۲۵ پذیرش: ۹۲/۷/۸

چکیده

به دلیل نگرانی عمومی از ناسالم بودن غذا، تهدید سلامت افراد و تخریب منابع طبیعی، کشاورزی ارگانیک که بر تولید محصولات سبز تأکید دارد، کانون توجه قرار گرفته است؛ امام بدون توجه به حکمت که عنصر گمشده عصر اطلاعات است، نظام‌های ارتباطی و اطلاعاتی مبتنی بر بینش صرف علمی قادر به ترویج فراگیر کشاورزی ارگانیک نخواهد بود. در این نظام‌ها، تبیین کشاورزی ارگانیک بر مبنای حکمت توحیدی نقش بسزایی دارد. تحقیق حاضر در سه مرحله انجام شده است. در مرحله نخست، با روش اسنادی حکمت توحیدی بر اساس فلسفه ملاصدرا بررسی شده است. در مرحله دوم، بر اساس مطالعات تطبیقی، اصول کشاورزی ارگانیک همسو با حکمت توحیدی بازتعریف شده است. در مرحله سوم نیز الگوی ارتباطی و اطلاع‌رسانی متناسب با آن برای تولید محصولات سبز طراحی و پیشنهاد شده است. طراحی نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی ترویج کشاورزی ارگانیک ابتدا در قالب آموزه‌های توحیدی و به تفکیک اجزای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی تبیین شده‌اند؛ سپس برای ارتباطات مؤثر با مخاطبان و تشویق آنان به پذیرش کشاورزی ارگانیک، از بینش‌های فلسفی توحیدمحور بهره گرفته شده است. از این رو، محتوای اطلاعات فنی منطبق با حکمت توحیدی، نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی طراحی شده است. برای این منظور، محتوای اطلاعات باید بر مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری و قناعت در مخاطبان تهیه و به شکلی متنوع نمایش داده شود؛ همچنین از رسانه‌های بومی و مدرن همراه با طراحی نظام بازخورد کافی و کارشناسان و ریش‌سفیدان محلی استفاده شود. حکمت نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی باید کشاورزان را هم از خطرهای کشاورزی آگاه کند و هم آن‌ها را به کشاورزی ارگانیک بر مبنای حکمت توحیدی برانگیزد.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی ارگانیک، نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی، حکمت توحیدی.



۱- مقدمه

رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای غذا در قرن گذشته موجب تحولی شگرف در کشاورزی شد. مصرف کودها و سموم شیمیایی و کاشت گونه‌های پرمحصول زراعی و باغی موجب افزایش تولیدهای کشاورزی شد؛ اما این روند فزاینده محصولات با مشکلات زیست‌محیطی مانند آلودگی منابع آب و خاک، آفت‌ها و بیماری‌های گیاهی، و نیز مسائلی مانند سوء تغذیه و بیماری‌ها بر اثر کاهش کیفیت مواد غذایی انسان همراه بوده است (کیانی و لیاقتی، ۱۳۸۶: ۲۷۲۷). مصرف بی‌رویه این نهاده‌ها و شیوه‌های کشاورزی غیردقیق^۱ تخریب بوم‌های طبیعی و منابع تولید محصولات کشاورزی را تشدید کرد (Lobley Et al., 2009: 723). طی دهه‌های اخیر، در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به دنبال افزایش نگرانی عمومی به دلیل تهدید کیفیت غذا، سلامت افراد و تخریب منابع طبیعی، کشاورزی ارگانیک^۲ کانون توجه قرار گرفته (کیانی و لیاقتی، ۱۳۸۶: ۲۷۲۸) و بر برنامه‌ریزی برای تولید محصولات کشاورزی ارگانیک^۲ یا سبز تأکید شده است.

مفهوم کشاورزی ارگانیک در کشورها متفاوت است؛ اما بر مصرف بسیار محدود کودهای شیمیایی و سموم نباتی برای تولیدات کشاورزی که در جهت تعامل سازگار فعالیت‌های انسانی با چرخه طبیعت و استفاده بهینه از آن‌هاست، توافق دارند که این امر به پایداری منابع آب و خاک نیز منجر می‌شود (نیکبخت و پژمان، ۱۳۸۲: ۱۹). شی‌مینگ و سوپورم^۳ (2006: 171) کشاورزی ارگانیک را نظام مدیریت تولید جامع‌گرا می‌دانند که باعث سلامت و بهبود تنوع چرخه‌ها و فعالیت‌های زیستی خاک کشت‌بوم‌ها می‌شود و به جای کاربرد نهاده‌های برون‌مزرعه‌ای، بر عملیات مدیریتی تأکید دارد. به نظر آن‌ها، در این نظام یک رهیافت مدیریتی خاص با توجه به شرایط اقلیمی، فیزیکی، فنی، اجتماعی و اقتصادی درپیش گرفته می‌شود و نمی‌توان از یک نسخه فراگیر یکسان برای تمام کشت‌بوم‌ها بهره گرفت. همچنین، کشاورزی ارگانیک نوعی کشاورزی است که هدفش ایجاد نظام‌های تولید یکپارچه، نظام‌یافته و انسانی است که با منافع زیست‌محیطی و اقتصادی تضادی ندارد. درجه اطمینان از منابع برگشت‌پذیر مورد بهره‌برداری در بخش کشاورزی به حدی است که امکان و توان تولید مقادیر زیاد

1. non-precision agriculture
2. organic farming
3. Shi-Ming & Sauerborn

محصولات زراعی و دامی مورد نیاز انسان و شرایط ایمنی در برابر آفت‌ها و بیماری‌ها برای گیاهان و دام‌ها فراهم می‌آید (دهقانیان و کوچکی، ۱۳۷۵: ۵۲). «ارگانیک» واژه‌ای است که مزرعه را موجودی زنده می‌داند که اجزای تشکیل‌دهنده‌اش یعنی خاک، کانی‌ها، مواد آلی، ریزموجودات، آفت‌ها، گیاهان، حیوانات و انسان اثر دوسویه برهم دارند (Willer & Yussefi, 2004: 78). منشور کشاورزی ارگانیک چهار اصل دارد و کسانی که آن را می‌پذیرند، باید خود را پای‌بند این اصول بدانند (جعفری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۷):

۱- اصل سلامت: ^۱ باید به سلامت انسان، جانوران، گیاهان، خاک و کره زمین به‌طور یکپارچه توجه و برای حفاظت از آن‌ها کوشش شود.

۲- اصل اکولوژی: ^۲ کشاورزی برمبنای کشت‌بوم‌های طبیعی و مطابق کارکرد چرخه‌های آن باید طراحی و باعث تقویت آن‌ها شود و با ایجاد زیستگاه‌ها و تقویت تنوع زیستی، به تعادل محیط‌زیست کمک کند.

۳- اصل مراقبت: ^۳ سلامت و رفاه نسل حاضر را با احساس مسئولیت و رعایت احتیاط‌های لازم به‌منظور حفظ محیط‌زیست برای نسل‌های آینده تأمین کرد و آینده کره زمین را فدای نسل امروز نکرد.

۴- اصل انصاف: ^۴ منافع همه تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، کارگران، بازرگانان، توزیع‌کنندگان و غیره به‌طور عادلانه تأمین و برای افزایش امنیت غذایی و کاهش فقر کوشش شود.

اجرای این راهکارها برای فراگیر شدن کشاورزی ارگانیک، نیازمند توانمندسازی تولیدکنندگان و اجرای فرایندهای آموزشی و ترویجی است. به‌منظور تحقق اهداف توسعه‌ای، برگزیدن نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی مناسب که به برقراری ارتباطات مطلوب بین تولیدکنندگان و محتوای مناسب اجرای صحیح کشاورزی ارگانیک بین آن‌ها کمک کند، اهمیت زیادی دارد. پرسش اساسی این است که آیا نوع ارتباطات رایج در نظام ترویج کشاورزی کشور برخاسته از نوعی بینش علمی است یا در کنار بینش علمی، از زیربنای فلسفی و

1. the principle of health
2. the principle of ecology
3. the principle of care
4. the principle of fairness



جنبه‌های دینی نیز برخوردار است. بررسی ویژگی‌های نظام‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی ترویج کشاورزی تا قبل از دهه ۱۹۹۰م نشان می‌دهد که اغلب بر استدلال‌های فرهنگی، به‌کارگیری نظریه‌ها و مداخله‌گری‌های روان‌شناسی، قدرت رسانه‌ها و غلبه ارتباطات تک‌رسانه‌ای، توجه به الگوهای نگرشی و رفتاری، توسعه مداخله‌گری‌های فردمحور، الگوهای ارتباطی سلسله‌مراتبی و فرستنده‌محور و مخاطبان منفعل بسیار تأکید شده است (شاه‌ولی، ۱۳۹۰: ۷). این نگرش اغلب بر بینش‌های علمی و فناورانه‌محور مبتنی است تا بینش‌های عمیق و منطبق با فلسفه ترویج. از سوی دیگر، با بررسی دقیق ارتباطات در ترویج آشکار می‌شود که توسعه مداخله‌گری‌های فردمحور اغلب برخاسته از نوعی بینش جزءنگر در این رشته است که به‌دنبال آن، استفاده از نظریه‌ها و الگوهای علمی رفتاری و غالب‌بودن فرستنده در فرایند ارتباطات - که اغلب محققان و نیروهای دولتی ترویج هستند - موجب شده تا واقعیت‌های جوامع روستایی به یک شکل کل‌گرا مورد توجه قرار نگیرند و به همین دلیل، هدف فرایند ارتباطات در ترویج، توصیف و کنترل این نوع جوامع به‌وسیله رسانه‌ها با روش‌ها و اصول علمی است. بنابراین، بینش‌های حاکم بر فرایند ارتباطات در ترویج کشاورزی از نوعی بینش علمی مایه می‌گیرد که اساس تحقق این فرایند، نوعی تجربه و آزمون و نه منطقی و استدلال بوده است (همان، ۸).

براساس چالشی که در ابتدای مقاله بیان شد، این پرسش‌ها مطرح می‌شود: زیربنای فکری ترویج برای طراحی و تدوین نظام ارتباطی چگونه باید باشد؟ آیا بینش‌های علمی رایج در این زمینه کافی است یا نیازمند بینش‌های تازه است؟ جدول شماره یک تمایز میان دو بینش علمی و فلسفی را نشان می‌دهد.

جدول ۱ تفاوت‌های بینش‌های علمی و فلسفی

معیارها	بینش علمی	بینش فلسفی
هدف	توصیف، کنترل و پیش‌بینی پدیده‌ها	تبیین چرایی و چگونگی پدیده‌ها
دیدگاه	جزءنگر	کل‌نگر
ابزار	روش‌ها و اصول علمی	استدلال منطقی - عقلانی
اعتبار	انطباق با روش‌ها و اصول علمی	انطباق با معیارهای منطقی - جهان‌شمول
درک از واقعیت	مطلق و با توجه به اصول علمی	مطلق با توجه به معیارهای فلسفی
اساس یادگیری	تجربه و آزمون	منطق و استدلال

(منبع: شاه‌ولی، ۱۳۹۰: ۸)

با توجه به این جدول، تغییر کانون تمرکز بینش‌های علمی در نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی ضرورت است؛ زیرا انتظار می‌رود تا به ترکیبی از این دو نوع بینش، البته با تأکید بر بینش‌های فلسفی توجه شود. به عبارت دیگر، علاوه بر گذار به سمت بینش‌های فلسفی، تبیین نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی برپایه حکمت‌گریزناپذیر است؛ زیرا حکمت عنصر گمشده نظام‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی عصر حاضر است؛ به عبارت دیگر، امروزه از حکمت، کرامت اخلاقی انسان و فرزاندگی آدمی خبری نیست. امروزه، انسان‌ها در خلأئی زندگی می‌کنند که اطلاعات به‌فراوانی در دسترس همگان است؛ اما ارزش اندکی برای زندگی و معنای آن و حتی رضایت از زندگی وجود دارد (حنایی، ۱۳۸۷: ۹). هدف اصلی این پژوهش، تبیین یک نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی مناسب برای ترویج محصولات پاک از نهاده‌های مضر است که چالش‌هایی پیش‌رو دارد:

- آیا نظام‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی مبتنی بر بینش علمی برای تشویق تولیدکنندگان به کشاورزی ارگانیک مناسب‌اند؟
- زیربنای فلسفی طراحی یک نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی کارآ برای ترویج کشاورزی ارگانیک کدام است؟

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر در سه مرحله انجام شده است:

- مرحله اول با روش مطالعات اسنادی انجام گرفته است. روش اسنادی یا تحلیل محتوا روش تحقیقی است برای نتیجه‌گیری معتبر و مکرر از متون یا دیگر منابع اطلاعاتی در زمینه‌ای که به‌کار برده شده‌اند. روش تحلیل محتوا دربرگیرنده یک فرایند خاص است. محققى که بر این مبنا پژوهش می‌کند، بسط‌دهنده دیدگاه‌های جدید است. در این حالت، درک محققان از یک فعالیت ویژه افزایش می‌یابد یا از یک رفتار خاص آگاه می‌شوند (Krippendorff, 2004).
- 24). استفاده از روش اسنادی در این پژوهش به منظور تحقق دو هدف مهم بوده است:
- ۱- آشنایی با مفاهیم کشاورزی ارگانیک و دیدگاه‌های حاکم بر آن به‌ویژه اصول چهارگانه‌اش؛



۲- کسب درک و فهمی عمیق به‌منظور تبیین حکمت توحیدی و آشنایی با مؤلفه‌های رویکرد توحیدمحور.

در مرحله دوم، روش مطالعات تطبیقی به‌کار رفته است؛ زیرا یکی از راه‌های تحقیق و آشنایی با واقعیت‌ها و راه‌حل‌ها، مطالعات تطبیقی است که بررسی و مقایسه دو یا چند پدیده برای مشاهده و دریافت همانندی‌ها و ناهمسانی‌های بین آن‌هاست. اعرابی (۱۳۷۶: ۳۶-۳۷) سه کارکرد برای آن برمی‌شمرد:

۱- نظریه‌پردازی و گسترش مرزهای دانش در حوزه علوم و تصمیم‌گیری‌های مناسب و انتخاب راه‌های صحیح برای حل معضلات عینی؛

۲- رعایت «طبقه‌بندی» منسجم موضوع مطالعه؛

۳- سازگاری ابزارها و شیوه‌ها با شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خاص یک کشور یا منطقه. با رعایت موارد یادشده، اصول چهارگانه کشاورزی ارگانیک با حکمت توحیدی ملاصدرا تطبیق داده شده است.

در مرحله سوم، از روش تبیین برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق استفاده شده است که عبارت‌اند از:

۱- آیا نظام‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی مبتنی بر بینش علمی برای ترغیب تولیدکنندگان به کشاورزی ارگانیک مناسب‌اند؟

۲- زیربنای فلسفی طراحی یک نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی کارآ برای ترویج کشاورزی ارگانیک کدام است؟

برای پاسخ به این دو پرسش یک مرحله تبیینی انجام شد. این کار به‌عنوان یک فرایند عقلی - معرفتی به‌منظور بررسی و بیان علل، عوامل، چیستی، چونی، روابط، نتایج، قواعد، کاربرد، کارآیی و دیگر مسائل مرتبط با نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی کشاورزی ارگانیک انجام گرفت تا بر مبنای استدلال و برهان‌های منطقی به نتایج مشخصی برای تبیین نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی ترویج کشاورزی ارگانیک توحیدمحور دست یافته شود (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۶۸). شکل شماره یک چگونگی انجام‌شدن این سه مرحله را نشان می‌دهد.



شکل ۱ مراحل اجرای پژوهش

۳- یافته‌ها

۳-۱- مرحله اول: مطالعات اسنادی

حکمت، سعادت و کمال سه واژه مهم در فلسفه صدرایی است. از نگاه ملاصدرا، جهان هستی بازتاب حکمت الهی و حقیقت انسان کامل است. با این شناخت، عالی‌ترین ساحت وجودی انسان، یعنی ساحت عقلانی‌اش شکل می‌گیرد و به فعلیت می‌رسد. ملاصدرا از این شناخت به «حکمت» تعبیر می‌کند و سعادت را در ساحت عقلی وجود انسان، دستیابی به حکمت می‌داند. در این نگرش، حکمت ارزش ذاتی دارد و نگاه آن غایت‌گرایانه است و ارزش تبعی و در نتیجه، ابزارگرایانه به حکمت مردود است. ملاصدرا در تفسیر حکمت به رابطه دوسویه نظر و عمل نیز توجه کامل دارد و نشان می‌دهد حکمت همان سعادت و کمال انسان است و حقیقتی تشکیکی است که در فرایندی از تعامل و تأثیر دوسویه نظر و عمل شکل می‌گیرد و به انسان شکل می‌دهد (انتظام، ۱۳۸۹: ۶۹). مبنای فکری این حکمت برپایه توحید و معارف فلسفی دین اسلام است و موضوع



بحث «فلسفه» و «حکمت» را «هستی انسان» و «وجود» می‌داند (شاه‌ولی و ابدی، ۱۳۹۱: ۱۷). در حکمت متعالیه، معنای زندگی در نظر انسان به فلسفه حیات و هدف خداوند از آفرینش انسان بازمی‌گردد. ملاصدرا با ترسیم مراتب نفس طبیعی، نباتی، حیوانی و انسانی، سیر تکامل نفس را هماهنگ با روند حرکت جوهر در ماده می‌داند که از ماده آغاز می‌شود و به فراتر از آن می‌انجامد و به همین دلیل، معاد و قیامت و تجسم برای روح انسان محقق می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۸۹: ۱۷). در حکمت صدرایی، در حیطه‌های هستی‌شناسی^۱، معرفت‌شناسی^۲، روش‌شناسی^۳، انسان‌شناسی^۴ و ارزش‌شناسی^۵ نظریاتی به این شرح بیان شده است:

۳-۱-۱- هستی‌شناسی: چه چیزی وجود دارد؟

هستی‌شناسی درباره وجود یا هستی مطالعه می‌کند و بنیادی‌ترین شاخه نظریه‌های متافیزیک است که مقوله‌های بنیادی و روابط وجود را بررسی می‌کند تا انواع وجود و قالب آن‌ها را تعریف کند. هستی‌شناسی را بررسی مفاهیم مربوط به واقعیت نیز نامیده‌اند (شرفی، ۱۳۸۸: ۵۹). مباحث هستی‌شناسی مبنای جدیدی می‌سازد که معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی بر آن استوارند.

لازمه هستی‌شناسی متعالی تغییر در سمت و سوهاست؛ یعنی حرکت از بدیهی‌پنداری به تردیدانگاری؛ زیرا همه مکنونات عالم بر انسان روشن نبوده است و او قادر به کشف تمام ابعاد زندگی نیست. همچنین، باید از سیر درون به بیرون و برعکس تأکید کرد و از توجه صرف به اشیاء دست کشید و هم‌زمان به اشیاء و انسان‌ها توجه کرد و درنهایت، به هر دو جنبه عینی و ذهنی پرداخت (شاه‌ولی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۸). حکمت توحیدی منطبق بر اصول و فلسفه اسلامی حول محور دو بخش کلی است: «شناخت خداوند بسان هستی‌آفرین» و «ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و مبانی هستی‌شناختی».

1. Ontology
2. Epistemology
3. Methodology
4. Anthropology
5. Axiology

۳-۱-۲- معرفت‌شناسی: شناخت معتبر چه اثباتی دارد؟

معرفت‌شناسی به بررسی ماهیت، قلمرو و محتوای دانش می‌پردازد که اغلب بر تحلیل ماهیت دانش و چگونگی نسبت آن با مفاهیم حقیقت و عقیده متمرکز است (شرفی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). از نظر ملاصدرا، علم آن است که حقیقت هرچیز یعنی صورت عقلیه آن در ذات مدرک متمثل شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۸۴). به اعتقاد او، علم وجودی بالفعل است که با عدم آمیخته نیست (همان، ۲۹۱)؛ بلکه وجودی غیرمادی و مجرد است. در نظر او، علم نوعی وجود امر مجرد از ماده است. از آنجا که علم یعنی رسیدن عالم به معلوم، بنابراین وجود علمی وجودی مجرد از ماده، و نوری است که نفس عالم در مقام علم و ادراک به حقیقت آن می‌رسد. برخلاف معرفت‌شناختی «دوین» که فقط جهان آشکار و جهان پنهان (عقل) را به رسمیت می‌شناسد، معرفت‌شناسی متعالیه بیش از دو جهان را رسمیت می‌بخشد. این‌گونه شناخت‌شناسی تأویلی (هرمنوتیک) با تفکر دینی و رمزی- تأویلی و اسطوره‌ای معنا می‌یابد. قضایای این نوع معرفت‌شناسی تنها قضایای تجربی- تاریخی نیست؛ بلکه نوع سومی از قضایای دینی- اسطوره‌ای را نیز دربرمی‌گیرد (خسروی، ۱۳۸۰: ۲۹۷-۲۹۸). لازمه معرفت‌شناسی متعالی، تأویل پدیده‌ها به جای توصیف آنهاست؛ همچنین از سکون و ایستایی به پویایی همه‌جانبه تغییرجهت دهیم، فرایندگرایی را جایگزین نتیجه‌گرایی کنیم و درنهایت، از جزءنگری به سوی کل‌نگری برویم (شاه‌ولی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹).

۳-۱-۳- روش‌شناسی: روش شناخت معتبر کدام است؟

در روش‌شناسی، چارچوب‌های فلسفی و معرفت‌شناختی توصیف می‌شوند و بر مبنای آنها، قواعد و روش‌های تحقیق به کار می‌روند و به جای تأکید بر روش‌های جمع‌آوری و بررسی داده‌ها، بر موضوع چگونگی دانستن تأکید می‌شود (صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۶: ۱۴۴). در تفکر ملاصدرا، روش‌شناسی با این پرسش آغاز می‌شود که منظور از روش چیست. از نظر او، روش به معنای راه رفتن، رفتن یا چگونگی رفتن است که با مباحث قرآنی که در کتب اسفار آورده است، روشن می‌کند که فقط یک «راه» برای رسیدن به علم و معرفت وجود دارد؛ اما «سبیل‌های» متعدد در دل دارد. در عین حال، شیوه حکمت متعالیه دو بعد سلبی و اثباتی دارد. ناکفایتی عقل برای دستیابی به حقایق و نارسایی عرفان برای ادراک حقایق و زیان‌های



سطحی‌نگری و ظاهر‌بینی در بررسی شریعت جزء سلبی آن است. مجموعه نکات روش‌شناختی نظام فلسفی حکمت متعالیه چنین است (شاه‌ولی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۱): مجموعه وحی شهود و عقل را پیش‌فرض می‌گیرد و فقط بر داوری عقل و پیروی از استدلال عقلی تکیه نمی‌کند؛ البته اندیشه‌ای را بدون دلیل و برهان نمی‌پذیرد و می‌کوشد یافته‌ها را از حمایت وحی و شهود و آرای اندیشمندان بزرگ بهره‌مند کند و در بیان اصول و ارکان، زبانی ملایم با متون اسلامی به‌کار گیرد.

لازمه گذار از روش‌شناسی‌های رایج به متعالیه، به‌جای بهره‌گیری از نسخه‌پیچی و روش‌های دستوری، استفاده از شیوه‌های ترغیبی است که در آن بین گروه‌های ذی‌نفع مشارکت و هم‌فکری وجود دارد. همچنین، مشاهده‌گری صرف را با توانمندی در پرسشگری جایگزین می‌کند و به‌جای محاسبه، تحلیل و مقایسه می‌کند (شاه‌ولی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۱). به این معنا که از نسخه‌پیچی‌های یک‌جانبه به‌سمت روش‌های فعال مشارکتی، اقتناعی و تعاملی می‌رود و با توانمندسازی افراد در پرسشگری، به‌جای مشاهده‌گری صرف، کارایی و اثربخشی فعالیت‌های آن‌ها را ارتقا می‌دهد و تحلیل و مقایسه را جایگزین فعالیت‌های محاسباتی صرف می‌کند. برای این منظور، می‌توان از روش‌های آمیخته کمی به کیفی پژوهش بهره گرفت (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۵۰).

۳-۱-۴- انسان‌شناسی: جایگاه انسان در هستی‌شناسی چیست؟

مطالعات انسان‌شناختی زیرمجموعه بررسی‌های هستی‌شناختی است. از نظر ملاصدرا، انسان‌ها به‌لحاظ نسبتی که با محیط برقرار می‌کنند، به دسته‌هایی تقسیم می‌شوند؛ ولی درجات و مقامات متفاوتی دارند. دسته اول، انسان‌هایی هستند که رفتارشان تحت تأثیر حواسشان است و بیش از حواس نمی‌توانند اوج بگیرند. دسته دوم، کسانی هستند که اگر از خطری آگاه شوند و رنج ببینند، از آن فرار می‌کنند؛ البته به شرط اینکه یک‌بار از آن خطر آسیب دیده و تجربه به‌دست آورده باشند. این دسته از انسان‌ها علاوه بر حواس، از قوه خیال نیز برخوردارند. دسته سوم قبل از اینکه به آن‌ها گزند برسد، خطر را حس می‌کنند که به این درجه و مرتبه موهومات می‌گویند. انسان در این منزل و درجه، کاملاً حیوانی است. دسته چهارم انسان‌هایی هستند که از بینشی قوی برخوردارند و نه تنها خطرها، تهدیدها و مسائل عصر خود را درمی‌یابند؛ بلکه

آن‌ها را پیش‌بینی و برای آن‌ها برنامه‌ریزی نیز می‌کنند؛ به عبارت دیگر اگرچه انسان‌هایی استراتژیست هستند و تفکر راهبردی دارند، فقط متوجه بقای دنیوی هستند. دسته پنجم نه فقط خطرهای این جهان، بلکه خطرهایی را که متوجه بقای ابدی آنان، کشورشان و دیگر جوامع است، درمی‌یابند و برای دفع آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کند. این افراد چون سعادت را فقط دنیوی نمی‌بینند و دنیا را مقدمه آخرت می‌دانند، انسان‌های دینی نامیده می‌شوند. انسان در چنین حالتی، در جست‌وجوی سرای اخروی و بقای ابدی است و از اینجاست که نام انسانیت به حقیقت بر وی صدق می‌کند. حقیقت انسانیت همان روح منسوب به خدای متعال است (لک‌زایی، ۱۳۸۷: ۶۷-۷۰).

۳-۱-۵- ارزش‌شناسی: ارزش ذاتی و حقیقی از آن کیست؟

ارزش‌های اخلاقی مهم‌ترین حیطه ارزشی مکتب اسلام و نظام متعالی است که در قلمرو آن‌ها، خدای متعال منشأ خیر مطلق و آگاه از همه خیرها تلقی می‌شود و نسبت انسان با این ارزش‌ها نشانی است که ارزش خداگونگی دارد. ملاصدرا متناظر با سه نشئه دنیا، برزخ و آخرت، سه انسان حسی، خیالی و عقلانی را در نظر می‌گیرد و کمال نهایی انسان را رسیدن به انسان عقلانی می‌داند. او شرط رسیدن به انسان اول حقیقی (حضرات عقل) را نیکوکاری و فضیلت برمی‌شمارد (سجادیه، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۸).

۳-۲- مرحله دوم: تطبیق اصول کشاورزی ارگانیک با حکمت توحیدی

حکمت متعالیه مکتبی توحیدمحور است که در آن خداوند متعال حضوری جدی در متن زندگی فردی و اجتماعی دارد. عناصر اساسی هستی در این تفکر، خداوند، انسان و طبیعت است. این تفکر برآمده از مکتبی غایت‌گرا و هدف‌محور است (لک‌زایی، ۱۳۸۷: ۵۳). ضرورت حفاظت از طبیعت به‌عنوان یکی از عناصر اصلی هستی که در کنار خداوند و انسان قرار دارد، به‌ویژه در فعالیت‌های کشاورزی الزامی است. بنابراین، ترویج شیوه‌های کشاورزی دوستدار محیط زیست در جامعه روبه‌سوی تعالی باید در اولویت قرار گیرد. کشاورزی ارگانیک با دارا بودن اصول سلامت، اکولوژی، مراقبت و انصاف تاحدی ظرفیت انطباق با حکمت توحیدی را دارد.



بر پایه اصل سلامت، باید سلامت انسان، جانوران، گیاهان، خاک و در مجموع کره زمین را کلتی تفکیک‌ناپذیر در نظر گرفت و برای حفاظت از آن کوشید. از آنجا که تفکر صدرایی نیز حاصل یگانگی عقل، عرفان، وحی و شریعت است، به جایگاه انسان در نظام آفرینش از ابعاد مختلف توجه دارد؛ زیرا انسان خلاصه عوالم وجود است و در نتیجه، انسان کامل مظهر اعلا و اشرف تمام صفات خداوند است (بوذری‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۵). بنابراین، از دیدگاه توحیدی آفرینش، باید سلامت انسان با تأمین غذای سالم مرکز توجه قرار گیرد. این موضوع بخشی از اصل سلامت در کشاورزی ارگانیک است. اصل سلامت معادل ضرورت ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در انسان‌ها طبق حکمت توحیدی است؛ به‌ویژه تولیدکنندگان باید خود را در قبال سلامت مصرف‌کنندگان مسئول بدانند. همچنین در حکمت صدرایی، حیات از شئون هستی است و هر چیز مادی و غیرمادی آن بر حسب ظرفیت وجودی دارای حیات، درک، احساس، شعور و عشق است. در حکمت توحیدی نیز به پیروی از آموزه‌های قرآن، تمام اجزای طبیعت در رستگاری انسان سهیم‌اند؛ بنابراین نباتات و حیوانات نیز مانند انسان قرب و منزلت دارند و در نهایت، به جهان دیگر «حشر» (بازگشت) می‌کنند. بنابر آنچه گفته شد، طبق اصول و مبانی حکمت متعالیه، کشاورزی ارگانیک در برابر گیاهان و جانوران که مخلوقات حق تعالی هستند، باید مسئول باشد؛ به‌گونه‌ای که فعالیت‌های کشاورزی سلامت آن‌ها را تهدید نکنند. در اینجا لازم است به اصطلاح زیست‌محوری^۱ نیز اشاره کنیم. زیست‌محوری اولین مرحله‌ای است که انسان از خود فراتر می‌رود و می‌پذیرد که ارزش ذاتی در موجودات جدا از انسان است؛ زیرا برخی موجودات زنده از درک لذت و درد یا خودآگاهی برخوردارند؛ پس باید با آن‌ها اخلاقی رفتار کرد. حتی ارزش ذاتی انسان در زیست‌بوم‌های طبیعی با ارزش ذاتی دیگر موجودات زنده برابر است و انسان فقط گونه‌ای در کنار دیگر گونه‌های زیستی به‌شمار می‌رود (عابدی سروستانی و شاه‌ولی، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۰). این نکته نیز برابر با اصل سلامت در کشاورزی ارگانیک است و در فعالیت‌های کشاورزی نه فقط به سلامت انسان‌ها، بلکه باید به سلامت دیگر اجزای طبیعت نیز اهمیت داد.

براساس اصل اکولوژی، کشاورزی باید بر مبنای زیست‌بوم‌های طبیعی و کارکرد چرخه‌های آن طراحی و موجب تقویت آنان شود تا با ایجاد زیستگاه‌ها و تقویت تنوع زیستی، به تعادل زیست‌محیط کمک کند. این اصل با امانت‌دار بودن انسان‌ها در برابر نعمت‌های خدادادی در حکمت توحیدی مطابقت دارد. انسان‌ها باید بدانند که خلیفه الهی روی زمین‌اند و محیط زیست، زیست‌بوم‌ها و منابع طبیعی در اختیارشان امانت‌های الهی نزد آن‌هاست و آسیب رساندن به این نعمت‌ها را مصداق خیانت در امانت بشمارند. علاوه بر جهت‌گیری ارزشی زیست‌محوری در اصل سلامت، لازم است با دیدگاهی کل‌نگر به جهت‌گیری زیست‌بوم‌محور^۱ توجه شود؛ زیرا اجزای آن شایسته ملاحظات اخلاقی، و از ارزش ذاتی برخوردارند و تمام موجودات جاندار یا بی‌جان باید مورد توجه باشند. در این نوع اخلاق زیست‌محیطی، انسان‌ها نه تنها موجوداتی برتر نیستند؛ بلکه بخشی از یک کلیت بزرگ‌تر یعنی طبیعت‌اند و از آن‌ها به شهروندان زیستی ساده^۲ یاد می‌شود (عابدی سروستانی و شاه‌ولی، ۱۳۸۹: ۶۰).

اگرچه در طول تاریخ مدیریت منابع مطرح بوده است، امروزه با وجود علم و فناوری‌های نوین، نقش بهره‌برداری حفاظتی و عالمانه از منابع طبیعی در کشاورزی بیشتر ضرورت می‌یابد. خداوند در قرآن کریم سوره یوسف می‌فرماید: «أَنْتِ حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ» و بر مدیریت حفاظتی و عالمانه منابع تأکید دارد. برای اطمینان از مصرف و بهره‌برداری پایدار از منابع زنده و غیرزنده، برگشت‌پذیر و برگشت‌ناپذیر، روش‌های تولید و بهره‌برداری و میزان برداشت و سرانجام بررسی شرایط زمانی و مکانی آن‌ها ضروری است. این‌گونه آگاهی‌ها و دستاوردهای علمی و مطالعاتی به مفهوم مدیریت و بهره‌برداری حفاظتی و عالمانه است (مظفری، ۱۳۸۹: ۷۹-۸۲) که در آن نه تنها به زیست‌بوم‌ها آسیبی نمی‌رسد؛ بلکه طبق اصل اکولوژی کشاورزی ارگانیک، از تنوع زیستی محافظت می‌شود.

بر پایه اصل مراقبت، کشاورزی ارگانیک سلامت و رفاه نسل حاضر را با مسئولیت و رعایت احتیاط‌های لازم برای حفظ محیط زیست و زیست‌بوم‌ها برای نسل‌های آینده تأمین می‌کند. رعایت عدل و انصاف در حق هم‌نوعان در عصر حاضر، رعایت مصلحت نسل‌های آینده بشری، جانوران و محیط زیست از نکات مهمی‌اند که نباید نادیده گرفته شوند. در قرآن کریم

1. ecocentrism
2. plain biotic citizens



نیز رعایت حقوق نسل آینده بر عهدهٔ مردم حاضر است (مظفری، ۱۳۸۹: ۸۴). آیات: «جزء برپاکنندگان عدالت باشید»^۱ و «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مجریان و اقامه‌کنندگان به قسط و عدالت باشید»^۲ نشان می‌دهند عدالت ابعادی متفاوت دارد که از مصادیق آن، عدالت در توزیع و بهره‌برداری از منابع طبیعی و مواهب الهی برای نسل‌های حاضر و آینده و به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر است. بنابراین، اصل مراقبت با رعایت میان‌رویی در حکمت توحیدی همخوانی کامل دارد. نسل حاضر با رعایت احتیاط‌های لازم در بهره‌برداری از منابع و مواهب طبیعی نه تنها به حقوق افراد جامعهٔ حاضر آسیبی نمی‌رساند؛ بلکه منافع آیندگان را نیز پاس می‌دارند. اگر جز این باشد، عدالت رعایت نشده است (مبوقی، ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۳۱).

اصل انصاف بر این موضوع تأکید دارد که کشاورزی ارگانیک باید به‌شکلی عمل کند تا منافع تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، کارگران، بازرگانان، توزیع‌کنندگان و غیره عادلانه تأمین شود و برای افزایش امنیت غذایی و کاهش فقر بکوشد. این اصل انسان‌ها را به رعایت انصاف و پرهیز از سودجویی و خودخواهی رهنمون می‌کند. قرآن کریم نیز در آیات مختلف بر عدالت تأکید دارد و اهداف انبیا نیز برقراری عدالت و قسط توسط مردم است (مظفری، ۱۳۸۹: ۸۴). برخی از این آیات به این شرح است: «به‌راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان، نازل نمودیم تا مردم عدل و انصاف را اقامه کنند»^۳؛ «به‌راستی خداوند به عدل و نیکوکاری فرمان می‌دهد»^۴؛ «عدالت را مراعات کنید، عدالت به تقوی و پرهیزکاری نزدیک‌تر است»^۵؛ «ای پیامبر، بگو! خدای من به قسط فرمان داده است»^۶. از معانی عدالت این است که حق هر فرد به او داده شود. حق حیات و استفاده از هوا و آب سالم از ضروری‌ترین حقوق انسان‌هاست؛ پس اصل عدالت حکمت توحیدی ایجاب می‌کند از هرگونه تجاوز به حریم طبیعت و محیط زیست پیشگیری شود (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۱. «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵)

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء/ ۳۵)

۳. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵)

۴. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل/ ۹۰)

۵. «اغْلِبُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده/ ۸)

۶. «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف/ ۲۹)

بنابراین، اصل عدالت در حکمت متعالیه بسی گسترده‌تر از اصل انصاف در کشاورزی ارگانیک است و آن را دربرمی‌گیرد؛ به این ترتیب که نه تنها منافع کشاورزی باید عادلانه میان تمام ذی‌نفعان توزیع شود؛ بلکه انسان‌ها حق تجاوز و فعالیت‌های آلاینده منابع طبیعی و محیط زیست را ندارند.

در جدول شماره دو اصول چهارگانه با اجزای حکمت توحیدی مقایسه و نشان داده شده که باوجود برخی همخوانی‌ها میان این دو، دامنه حکمت توحید عمیق‌تر و فراگیرتر است و کاستی‌های این اصول از دیدگاه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی را نشان می‌دهد. غفلت از توحید در کشاورزی ارگانیک نارسایی اصلی آن به‌شمار می‌رود؛ زیرا توحید بنیان جهان‌بینی و رکن مهم اعتقاد هر مسلمانی است و بر سراسر تعالیم اسلام سایه افکنده و تمام دستورات آن به توحید بازمی‌گردد (نفیسی، ۱۳۸۵: ۵۱). نگاه توحیدی به طبیعت بیانگر یگانگی ذاتی است که بین تمام اجزای هستی، از جمله انسان و طبیعت وجود دارد؛ درحالی که دیگر کانون‌های ارزشی ذاتی مثل کشاورزی ارگانیک چنین یگانگی و انسجامی ندارند. حتی زیست‌بوم محوری که کل‌گرایانه است، یگانگی انسان و طبیعت را از سرمنشأ مطرح نمی‌کند؛ بلکه انسان را در کنار سایر اجزای زیست‌بوم در نظر می‌گیرد که رابطه‌ای ساختاری در یک نظام زیست‌بوم دارند (عابدی سروستانی و شاه‌ولی، ۱۳۸۹: ۶۵).

بنابراین، حکمت توحیدی یک جهت‌گیری ارزشی دینی در اخلاق زیست‌محیطی است که ارزش ذاتی را مختص خداوند می‌داند و سایر موجودات، از جمله طبیعت و اجزایش را که خداوند آن‌ها را آفریده است، شایسته رفتارهای اخلاقی انسان می‌شمارد. انسان جانشین خداوند بر زمین پنداشته می‌شود؛ از این‌رو دارای اختیار و آزادی است؛ اما از سوی دیگر مسئول رفتار خود با طبیعت و سایر مخلوقات نیز است؛ زیرا باید آینه تمام‌نمای اسما و اوصاف الهی و حافظ مخلوقات او باشد تا شایسته جانشینی شود. بنابراین، اگر فعالیت‌های کشاورزی بر مبنای کانون ارزشی توحیدی تبیین شود، نه تنها مسئولیت‌پذیری انسان در قبال طبیعت افزایش می‌یابد؛ بلکه به تحقق تفکر یگانگی انسان و طبیعت، افزایش ضمانت اجرا و گسترش دامنه رفتارهای اخلاقی در تعامل با آن می‌انجامد (عابدی سروستانی و شاه‌ولی، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۰). بنابراین، حکمت توحیدی باید غایت ترویج کشاورزی ارگانیک باشد.



جدول ۲ مقایسه اصول کشاورزی ارگانیک با اجزای حکمت توحیدی

کشاورزی ارگانیک و طبیعت	اجزای حکمت توحیدی	طبیعت ازدیدگاه حکمت توحیدی
هستی‌شناسی		
ارزش‌آزایی طبیعت دوگالگی وجود ایستایی و سکون طبیعت	اصالت وجود وحدت و تشکیک وجود حرکت جوهری	ارزش ذاتی طبیعت اتحاد وجود پویایی، تداوم و پیوستگی طبیعت
معرفت‌شناسی		
بهره‌برداری حفاظتی - اکولوژی	اتحاد عالم و معلوم ادراک کامل	بهره‌برداری حفاظتی عالمانه و حکیمانه از طبیعت بهره‌گیری از ادراکات حسی، خیالی و عقلی در رفتار با طبیعت
انسان‌شناسی		
توجه به دنیا سلامت (مراقبت فیزیکی انسان)	الگوی انسان دینی انسان عقلانی	توجه به دنیا و آخرت انسان (بقای ابدی) عدالت بین‌نسلی حمایت از طبقات ضعیف جایگاه رفیع انسان در آفرینش
ارزش‌شناسی		
انصاف مراقبت از سلامت نسل حاضر بهموازات حفاظت از نسل آینده	ارزش‌های اخلاقی اشتقاق و لقای خدا	امانت‌داری نسبت به نعمت‌های خدادادی به‌ویژه طبیعت تقویت حس مسئولیت‌پذیری درون و بین‌نسلی بهره‌برداری عادلانه عدالت و برابری در توزیع و مصرف منابع
روش‌شناسی		
روش‌های دستوری، عمدتاً کئی مشاهده‌گری صرف صرف فعالیت‌های محاسباتی	مجموعه وحی، شهود و عقل بهره‌گیری از دانش جهانی و پژوهش‌های بومی	روش‌های آمیخته کئی و کیفی در پژوهش روش‌های مشارکتی، اقناعی و تعاملی روش‌های ترغیبی تجزیه و تحلیل و توانمندی در پرسشگری

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳-۳- مرحله سوم: تبیین نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی توحیدمحور

کاستی‌های کشاورزی ارگانیک را نمی‌توان با الگوهای ارتباطی و اطلاع‌رسانی رایج برطرف کرد؛ زیرا آن‌ها مصادیقی از این سخن است: «کجاست آن حکمتی که ما در اطلاعات گم کرده‌ایم؟». به عبارت دیگر، شاید انسان در عصر اطلاعات بیشتر بداند؛ اما این دانستن بیشتر به دگرگونی فکری، اخلاقی و فرهنگی منجر نمی‌شود و در نتیجه، زندگی بهتری را نمی‌توان انتظار داشت (حنایی، ۱۳۸۷). بنابراین، حکمت گمشده عصر اطلاعات است. گرچه این دوران، هنگامه باسواد شدن انسان و گسترش رشته‌های دانشگاهی است، از کرامت اخلاقی انسان و فرزندی آدمی خبری نیست.

خاستگاه فکری و فرهنگی فناوری‌های موجود مثل فناوری ارتباطات و اطلاع‌رسانی در داشتن بیشترین ابزارهاست و بسیاری از آن‌ها زاید است؛ زیرا انسان‌ها را تنبل و زندگی را پیچیده کرده‌اند. شرکت‌های بزرگ تولیدکننده فناوری‌ها چنین ضعفی را در زندگی بشر بدون غایت شناخته و با تغییرات وهم‌پسند به راحتی فناوری‌ها را بر روح و روان مردم تحمیل کرده و با نیازهای کاذب بر زندگی‌شان چیره شده‌اند. راه برون‌رفت از این وضع، تغییر رویکرد از «داشتن بیشترین ابزار، به مفیدترین ابزار» است؛ البته مفید بودن ابزار براساس اهداف غایی مقدس باید سنجیده شود (طاهرزاده، ۱۳۹۰: ۳۲)؛ زیرا انسان موجودی غایت‌طلب است؛ پس فناوری‌ها نیز که نظام‌های کار بشر را می‌سازند، باید غایتی داشته باشند که بی‌گمان تجلی تمام حقیقت درمقابل عقل حاکم بر نظام‌های اجتماعی است. راهی که به سوی این تجلی می‌رود، خلاقیت یا عقل فعال است؛ یعنی گذاری است که باید مدام با کشف حقیقت و واقعیت فناوری معلوم شود (قانع بصیری، ۱۳۸۸: ۷۸).

به دلیل نامتناسب بودن نظام‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی مبتنی بر بینش علمی و پارادایم‌های اثبات‌گرایی، انتقادی و پسااثبات‌گرایی، بر تبیین الگوی ارتباطی و اطلاع‌رسانی ترویج کشاورزی ارگانیک منطبق با حکمت تأکید می‌شود. از تطبیق اصول چهارگانه کشاورزی ارگانیک با مبانی متعالی حکمت توحیدی این نتیجه به دست آمد که از برخی جنبه‌ها، باهم همخوانی دارند؛ ولی از نظر زیربنای توحیدی، کاستی‌هایی دارند.



از سوی دیگر، مسائل زیست‌محیطی را نمی‌توان فقط با راه‌حل‌های علمی و فناوری گشود. امروزه، بیشتر فعالان محیط زیست به این هم‌فکری رسیده‌اند که برای برون‌رفت از این مشکلات نگاهی نو نیاز است. این نگاه نو مطابق با ارزش‌های همگون و اخلاقی حفظ طبیعت، برای تمام آفریده‌های پروردگار حق قائل است و انسان را موجودی خودخواه و خودبین که بدون دوراندیشی و به‌شکلی حریصانه از منابع طبیعی استفاده می‌کند و حتی در تخریب آن می‌کوشد، نمی‌داند؛ بلکه او را جانشین پروردگار در زمین می‌داند که مسئولیت حفظ سایر مخلوقات به او سپرده شده است (سید امامی، ۱۳۸۹: ۲۱).

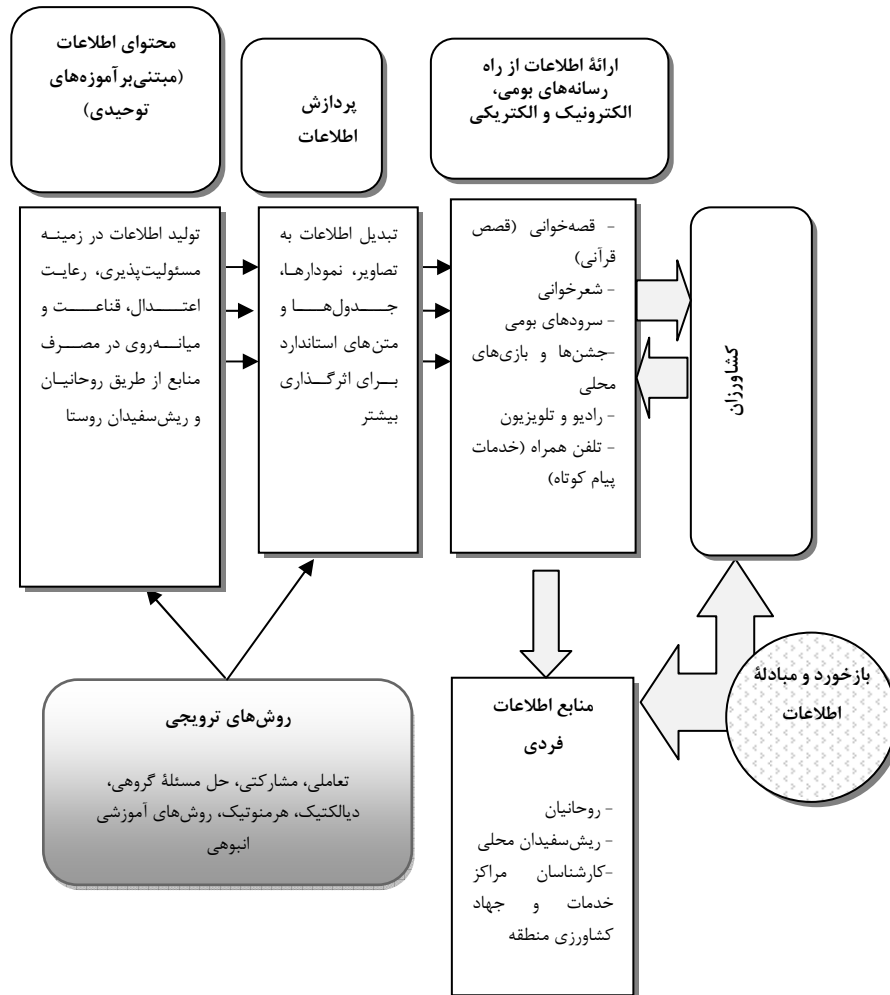
تطبیق اصول کشاورزی ارگانیک با حکمت توحیدی نشان می‌دهد اصلی‌ترین ضعف آن، غفلت از اصل توحید است؛ بنابراین حلقه گمشده در اصول کشاورزی ارگانیک، نبود زیربنای توحیدی است. درحالی که توحید باید در رأس هرم زندگی بشر قرار گیرد؛ زیرا غفلت از آن به انحراف از مسیر متعالی منجر می‌شود. درواقع، نظام توحیدی مبتنی بر خلقت عالم سرچشمه واحدی دارد. به تعبیر علامه طباطبایی، عالم دارای وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت است. بنابراین، عالم مانند نورهای متکثری که از منشور عبور کرده‌اند و درحالی که منبع آن‌ها یکی است، دارای کثرت نموده‌ها هستند. به قول عارفان، مظاهر و تجلیات الهی متکثرنند و این تکثرات نمود «هستند» نه «بود» (مؤمن زاده، ۱۳۹۱).

طراحی نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی ترویج کشاورزی ارگانیک نخست در قالب آموزه‌های توحیدی و به تفکیک اجزای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی تبیین شد (جدول ۳). به عبارت دیگر، برای ارتباطات مؤثر با مخاطبان و جلب رضایت آنان در پذیرش کشاورزی ارگانیک لازم است از بینش‌های فلسفی توحیدی درباره حفاظت از محیط زیست، استفاده بهینه و متعادل از منابع طبیعی، یادآوری جایگاه مخاطبان در مقام خلیفه الهی بر زمین و مقدمات ترویج کشاورزی ارگانیک بهره گرفت؛ سپس محتوای اطلاعات فنی منطبق با حکمت توحیدی، نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی را طراحی کرد (شکل ۲).

جدول ۳ اجزای نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی کشاورزی ارگانیک

محتوای اطلاعات	اجزا	آموزه	مرحله
درک ضرورت حفاظت از طبیعت به‌عنوان عنصر اصلی هستی	هستی‌شناسی	آموزه‌های توحیدی	مرحله اول
توجه و تأکید به پیوستگی و پویایی اجزای تشکیل‌دهنده هستی (طبیعت، محیط زیست و منابع طبیعی)			
تأکید بر قائل شدن ارزش ذاتی برای طبیعت و پرهیز از ابزارنگری به آن			
شناخت استفاده بهینه از محیط زیست و منابع طبیعی	معرفت‌شناسی		
شناخت ارزشی از مدیریت حفاظتی و عالمانه منابع طبیعی			
شناخت میان‌روی در مصرف نهاده‌های کشاورزی			
ایجاد و تقویت حس قناعت در مصرف نهاده‌های کشاورزی			
یادآوری جایگاه خلیفه الهی انسان بر زمین	انسان‌شناسی		
ایجاد مسئولیت‌پذیری در تولیدکنندگان در قبال سلامت انسان‌ها و دیگر موجودات			
لزوم توجه به توزیع منصفانه منابع برای رفع نیاز نسل‌های حاضر و آینده (به‌ویژه گروه‌های ضعیف)			
یادآوری باورها و ارزش‌های دینی حفاظت از محیط زیست	ارزش‌شناسی		
درک اهمیت رعایت عدالت در توزیع و بهره‌برداری از منابع طبیعی و مواهب الهی			
تأکید بر باورهای ارزشی عدالت و انصاف و پرهیز از سودجویی و خودخواهی در تولید، توزیع، فروش و مصرف محصولات ارگانیک			
ارتقای نگرش افراد به مسئولیت‌پذیری در برابر محیط زیست			
یادآوری امانت‌دار بودن محیط زیست به‌عنوان نعمت الهی به مخاطبان			
ترغیب مخاطبان به‌ویژه کارشناسان در بهره‌گیری از روش‌های مشارکتی، اقناعی و تعاملی	روش‌شناسی		
اطلاع‌رسانی با روش‌های آمیخته (کمی و کیفی) ترویج کشاورزی ارگانیک			
توانمندسازی مخاطبان در کسب و تقویت ذهن فلسفی و روحیه پرسشگری برای تحقق کشاورزی ارگانیک			

(منبع: یافته‌های پژوهش)



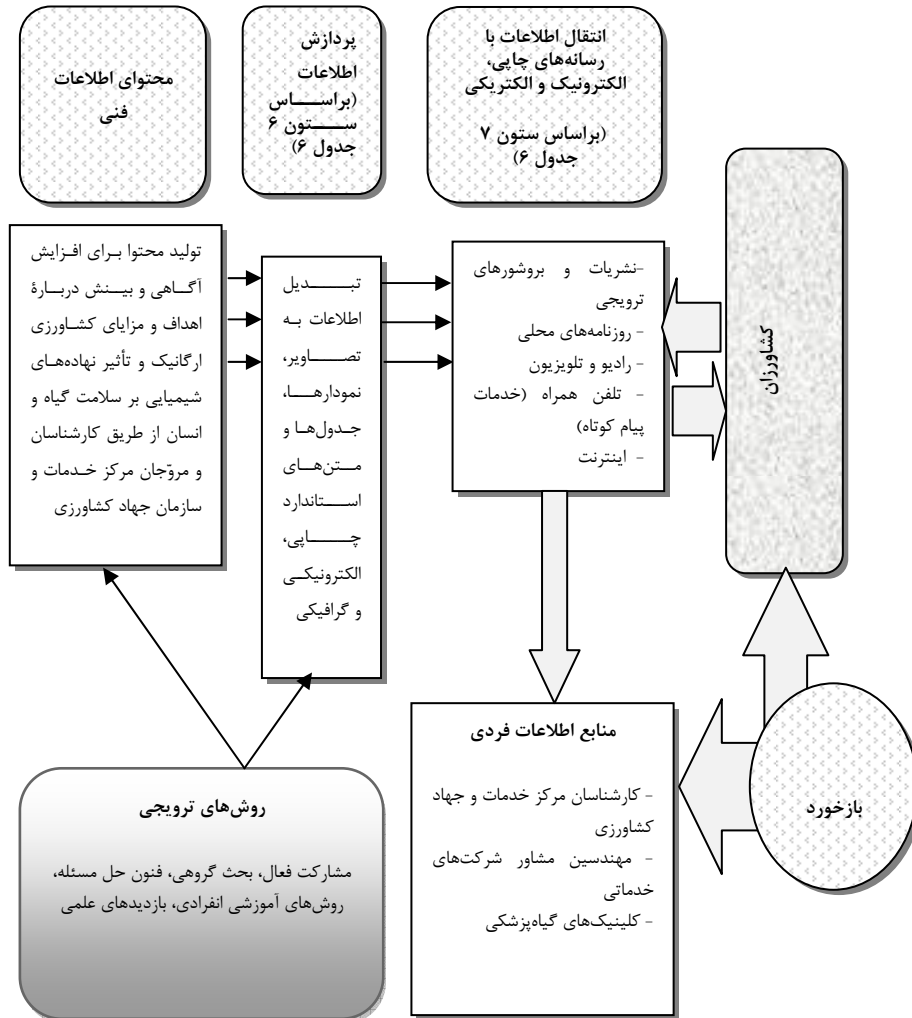
شکل ۲ ساختار ارزشی نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی ترویج کشاورزی ارگانیک

اطلاعات فنی کشاورزی ارگانیک در جدول شماره چهار آمده و محتوای آن‌ها به تفکیک هریک از اصول چهارگانه کشاورزی ارگانیک بیان شده است. درنهایت، نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی متناسب با محتوای فنی طبق شکل شماره سه طراحی شده است.

جدول ۴ محتوای فنی نظام ارتباطات و اطلاع رسانی ترویج کشاورزی ارگانیک

محتوای اطلاعات	اصل	آموزه	مرحله
تقویت نگرش تغذیه سالم و امنیت غذایی	سلامت	آموزه‌های فنی	مرحله دوم
درک اهمیت تولید غذای باکیفیت، سالم و متنوع			
آگاهی از انواع بیماری‌های ناشی از مصرف مواد شیمیایی			
آگاهی از زیان‌های حین مصرف نهاده‌های شیمیایی			
آگاهی از زیان‌های بقایای مواد شیمیایی در مواد غذایی	اکولوژی		
اطلاع از لزوم حفظ و افزایش حاصل خیزی خاک در بلندمدت با شیوه‌های ارگانیک			
ارتقای آگاهی از تنوع زیستی خاک با اجرای کشاورزی ارگانیک			
آگاهی از تأثیر کشاورزی ارگانیک بر تثبیت بافت خاک، چرخه‌های آب، کربن و مواد غذایی			
شناخت تأثیر کشاورزی ارگانیک بر کمینه‌سازی آلودگی‌های کشاورزی	مراقبت		
حفظ تنوع ژنتیکی نظام‌های مختلف تولید			
آگاهی از اهداف و مزایای کشاورزی ارگانیک در حفاظت و مراقبت از نسل‌ها			
آگاهی از وضعیت مصرف مواد شیمیایی در کشور	انصاف		
تقویت بینش عدم مصرف نهاده‌های شیمیایی			
درک اهمیت توزیع عادلانه و منصفانه منافع میان تولیدکنندگان، توزیع و مصرف‌کنندگان محصولات سبز			
آموزش فرایند دریافت گواهی تولید محصولات با برچسب سبز			
فرهنگ‌سازی در صرف هزینه‌های بیشتر برای خرید محصولات سبز			

(منبع: یافته‌های پژوهش)



شکل ۳ ساختار فنی نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی ترویج کشاورزی ارگانیک

پس از اجرای الگوی اول که دربارهٔ معرفت مخاطبان از وظایف خویش در برابر خداوند و نعمت‌های اوست، آمادگی لازم در آنان ایجاد می‌شود و می‌توان به آن‌ها آگاهی‌های فنی-تخصصی را برای ترویج کشاورزی ارگانیک داد. رسانه‌های پیشنهادی برای الگوی اول، رسانه‌های بینافردی، به‌ویژه افراد اثرگذار مثل روحانیان و ریش‌سفیدان محلی هستند. همچنین،

از کارشناسان مراکز خدمات و جهاد کشاورزی به منظور تغییر نگرش مخاطبان می‌توان کمک گرفت. بر مبنای نظریه نفوذپذیری که تأکید آن بر دیگران برای رفتارهای ارتباطی است، استفاده از این گونه افراد توصیه می‌شود. کارکرد این نظریه در طراحی نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی بهینه در پژوهش شاه‌ولی و همکاران (۱۳۹۲) نیز گزارش شده است. از سوی دیگر، رسانه‌های بومی مثل خواندن قصه‌های محلی و قرآنی بسیار اثرگذار است. شعرخوانی، سرودهای بومی، جشن‌ها و بازی‌های محلی از دیگر رسانه‌های مناسب هستند. براساس نظریه قضاوت اجتماعی، رسانه‌های محلی چون برخاسته از باورها، فرهنگ، آداب و رسوم مردم بومی و مطابق با زمینه‌های عاطفی و ذهنی آنان است، جذابیت ایجاد می‌کند و در ارائه محتوای مورد نیاز کارا خواهد بود. اطلاع‌رسانی در قالب تبلیغات در رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون، ارسال پیام‌های کوتاه تبلیغاتی آموزنده نیز کارگر خواهد بود؛ زیرا بر پایه نظریه مباران کلامی، با استفاده از این رسانه‌ها در منطقه و شیوه‌های ارتباطی نوین، امکان عرضه اطلاعات و محتوای مورد نظر فراهم می‌آید. کاربرد چنین رسانه‌هایی در پژوهش شاه‌ولی و همکاران (۱۳۹۲) گزارش شده است.

برای اجرای الگوی دوم نیز رسانه‌های بین‌افردی و چاپی مانند نشریه و بروشورهای ترویجی و بهره‌گیری از رسانه‌های الکترونیک مانند رایانه و اینترنت به‌ویژه برای جوانان پیشنهاد می‌شود. شاه‌ولی و همکاران (۱۳۸۷ و ۱۳۹۲) بر کاربرد توأم رسانه‌های چاپی و فردی تأکید کرده‌اند. در حیطه روش‌های ترویجی مطلوب و متناسب نیز روش‌های مشارکتی فعال، تعاملی و فنون حل مسئله، گفتمان (بحث‌های گروهی) و سرانجام روش‌های آموزشی انفرادی و انبوهی پیشنهاد می‌شود.

۴- منابع

- آذربایجانی، مسعود، «معنای زندگی در حکمت متعالیه» در مجموعه مقالات همایش روز جهانی فلسفه، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۹.
- اعرابی، سیدمحمد، روش تجزیه و تحلیل تطبیقی در مدیریت، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، فرهنگ پژوهش، ۱۳۷۶.



- انتظام، سیدمحمد، «معناشناسی حکمت، سعادت، انسان کامل و رابطه آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا» در مجموعه مقالات همایش روز جهانی فلسفه، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۹.
- ایمان، محمدتقی، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، گروه فلسفه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
- بوذری‌نژاد، یحیی، «جایگاه انسان نزد ملاصدرا»، فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه نوین دینی، س ۶، ش ۲۳، صص ۱۵۵-۱۷۴، ۱۳۸۹.
- جعفری، احمد، مهرداد محلوجی، محمود صلحی و سعید دوازده‌امامی، «اصول و مبانی و چالش‌های کشاورزی ارگانیک»، فصلنامه علمی کشاورزی پایدار، س ۴، ش ۳، صص ۱۳-۱۹، ۱۳۸۶.
- جمشیدی، محمدحسین، مبانی و روش‌شناسی تبیین با تأکید بر اندیشه سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- حسینی، سیدعلی، «محیط زیست در قواعد فقهی» در اخلاق و محیط زیست (رهیافتی اسلامی)، به‌کوشش کاووس سید امامی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- حنایی، سعید، «جنگ چریکی نشانه‌ها»، روزنامه همشهری، س ۱۶، ش ۴۵۵۴، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷، قابل دسترس در <http://hamshahrionline.ir/print-51834.aspx>
- خسروی، عباس، «جایگاه عالم مثال (اقلیم هشتم) در حکمه‌الاشراق و حکمه‌المتعالیه»، اندیشه حوزه، س ۱۸، ش ۱۰۳ و ۱۰۴، صص ۲۹۶-۳۳۰، ۱۳۸۰.
- دهقانیان، سیاوش، عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، اقتصاد اکولوژیک و اقتصاد کشاورزی ارگانیک، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۵.
- سجادیه، نرگس، «گزارشی از آرای فلسفی صدرالمتألهین و دلالت‌های تربیتی آن»، تربیت اسلامی، د ۱، ش ۲، صص ۳۵-۶۳، ۱۳۸۵.
- سید امامی، کاووس (به‌کوشش)، اخلاق و محیط زیست (رهیافتی اسلامی)، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- شرفی، محمدرضا، فلسفه تربیتی اسلام با رویکردی تطبیقی، تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۸۸.

- شاه‌ولی، منصور و بیژن ابدی، «حکمت توحیدی: ضرورت رویکرد نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی برای بخش کشاورزی» در همایش ملی توسعه روستایی گیلان، ۱۳۹۱.
- شاه‌ولی، منصور، مرضیه کشاورز و مریم شریف‌زاده، «پارادایم اخلاقی - فلسفی متعالیه در پژوهش‌های بحران زیست طبیعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق در علوم و فنون، س ۲، ش ۳ و ۴، صص ۳۱-۴۴، ۱۳۸۶.
- شاه‌ولی، منصور، مرضیه کشاورز و ثمینه غلامعلی‌زاده، «تبیین بنیان‌های فلسفی الگوی ترویج کشاورزی تحت شرایط جهانی شدن»، دوماهنامه علمی - ترویجی جهاد، ش ۲۸۳ و ۲۸۴، صص ۶-۳۳، ۱۳۸۷.
- شاه‌ولی، منصور، مهسا فاطمی و عاطفه ملکیان، «طراحی الگوی ارتباطی و اطلاع‌رسانی بهینه‌سازی بازاریابی برای زعفران‌کاران شهرستان استهبان استان فارس»، مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۳۹۲.
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا، «رویکرد اسلامی به روش‌شناسی پژوهش تربیتی: تبیین امکان و ضرورت»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، س ۶، ش ۲۱، صص ۱۴۱-۱۷۲، ۱۳۸۶.
- صدرالدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، الحکمه المتعالیه فی اسفار الاربعه، ترجمه محمد خواجوی، تهران: مولی، ۱۳۸۰.
- صدرالمتألهین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، باشراف محمد خامنه‌ای، تصحیح، تحقیق و مقدمه مصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲.
- طاهرزاده، اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، اصفهان: انتشارات لب‌المیزان، ۱۳۹۰.
- عابدی سروستانی، احمد و منصور شاه‌ولی، «جهت‌گیری ارزشی و اخلاق زیست‌محیطی اسلامی: ماهیت و پدیده‌ها» در اخلاق و محیط زیست (رهیافتی اسلامی)، به‌کوشش کاووس سید امامی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- قانع بصیری، محسن، پرسشی از هایدگر: تکنولوژی چیست؟، تهران: پایان، ۱۳۸۸.



- کیانی، غلامحسین و هومان لیاقتی، «تحلیل شرایط اقتصادی تبدیل کشاورزی رایج به کشاورزی ارگانیک با استفاده از مدل برنامه‌ریزی خطی پویا» در مجموعه مقالات دومین همایش ملی کشاورزی بوم‌شناختی، گرگان، صص ۲۷۳۷-۲۷۲۷، ۱۳۸۶.
- لطف‌آبادی، حسین، «فلسفه علم مینوی: بنیاد وحدت بخش حکمت متعالی و دانش عینی در پژوهش‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی»، مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، س ۷، ش ۱ (۱۳)، صص ۲۳۵-۲۵۷، ۱۳۸۵.
- لکزایی، نجف، «سیاست متعالیه و دولت هادی در اندیشه صدرالمتألهین»، علوم سیاسی، س ۱۱، ش ۴۳، صص ۵۳-۸۳، ۱۳۸۷.
- _____ «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۳، ش ۴ (۵۰)، صص ۶۳-۸۴، ۱۳۸۹.
- مبرقی، نغمه، «اخلاق و الگوی مصرف منابع طبیعی از دیدگاه اسلام و تأثیر آن بر محیط زیست» در اخلاق و محیط زیست (رهیافتی اسلامی)، به‌کوشش کاووس سید امامی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- مظفری، محمدحسن، «اصول بهره‌برداری پایدار از منابع محیط زیست از دیدگاه قرآن» در اخلاق و محیط زیست (رهیافتی اسلامی)، به‌کوشش کاووس سید امامی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- مؤمن‌زاده، مهدی (کارشناس ارشد فلسفه و الهیات)، مصاحبه حضوری، بخش الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۱.
- نفیسی، ناهید، «توحید افعالی در حکمت متعالیه»، خردنامه صدرا، ش ۴۳، صص ۵۱-۵۹، ۱۳۸۵.
- نیکبخت، پرستو و حسین پژمان، «تولیدات زیستی کشاورزی رویکردی جدید در برنامه امنیت غذایی جهانی»، نهاده، ش ۹، ۱۳۸۲.
- Castello, D.R., & M.P. Braun, "Framework on Effective Rural Communication for Development", *Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome, 2006.*

- Krippendorff, K., *Content Analysis: An Introduction to its Methodology*, Second Edition, California: Sage Publication, Inc, 2004.
- Lobley, M., A. Butler & M. Reed, "The Contribution of Organic Farming to Rural Development: An Exploration of Socio-economic Linkages of Organic and Non-organic Farms in England", *Land Use Policy*, 26(3), Pp. 723- 735, 2009.
- Shi-Ming, M. & J. Sauerborn, "Review of History and Recent Development of Organic Farming Worldwide", *Agricultural Science in China*, 5(3), Pp. 169- 178, 2006.
- Willer, H. & M. Yussefi, *The World of Organic Agriculture- Statistics and Emerging Trends 2007*, International Federation of Organic Agriculture Movements (IFOAM), Bonn, Germany & Research Institute of Organic Agriculture FiBL, Frick, Switzerland, 2007.